



## آسیب شناسی توسعه کسب و کار خانگی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان اسلام آبادغرب

سارا جلیلیان<sup>۱\*</sup>، امیر علم پیگی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول<sup>\*</sup>، دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی [sara.jalilian@ut.ac.ir](mailto:sara.jalilian@ut.ac.ir)

۲. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران [alambaigi@ut.ac.ir](mailto:alambaigi@ut.ac.ir)

### چکیده

کسب و کار خانگی علی‌رغم این‌که از بخش‌های حیاتی و ضروری فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی محسوب می‌شوند؛ اما با این وجود زنان روستایی شاغل در این نوع فعالیت‌ها همواره با موانع و محدودیت‌هایی در جهت توسعه‌ی آن مواجه هستند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی آسیب‌شناسی توسعه کسب و کار خانگی زنان روستایی صورت گرفته است. جامعه آماری شامل ۲۶۵ نفر از زنان روستایی دارای کسب و کار خانگی شهرستان اسلام آبادغرب می‌باشد که ۱۶۱ نفر بر حسب فرمول کوکران انتخاب شدند. روش تحقیق از نوع پیمایشی، توصیفی و اسنادی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت پرسشنامه و همگام با مصاحبه بوده است که روایی صوری آن به وسیله اساتید و متخصصین تایید گردید و جهت تعیین پایایی پرسشنامه تعداد ۳۰ پرسشنامه طی پیش‌آزمون تکمیل شده و مورد مطالعه قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ موانع توسعه  $\alpha=0/80$  محاسبه شد، نشان داد که از قابلیت بالایی برای جمع‌آوری اطلاعات برخوردار است. جهت انجام آزمون‌های آماری از نرم‌افزار SPSS21 و Lisrel8.8 استفاده شده است. طبق نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی، موانع توسعه کسب و کار خانگی در هفت عامل تحت عنوان فردی- شخصیتی، محدودیت‌های خانوادگی، فردی- روانشناختی، ضعف دانش و توانمندی، نبود انگیزه و مسئولیت‌پذیری، اجتماعی- نهادی و تعدد وظایف زنان شناسایی شدند. **کلیدواژه‌ها:** کسب و کار خانگی، زنان روستایی، موانع کارآفرینی، جنسیت و کارآفرینی، زنان و کسب‌وکار.

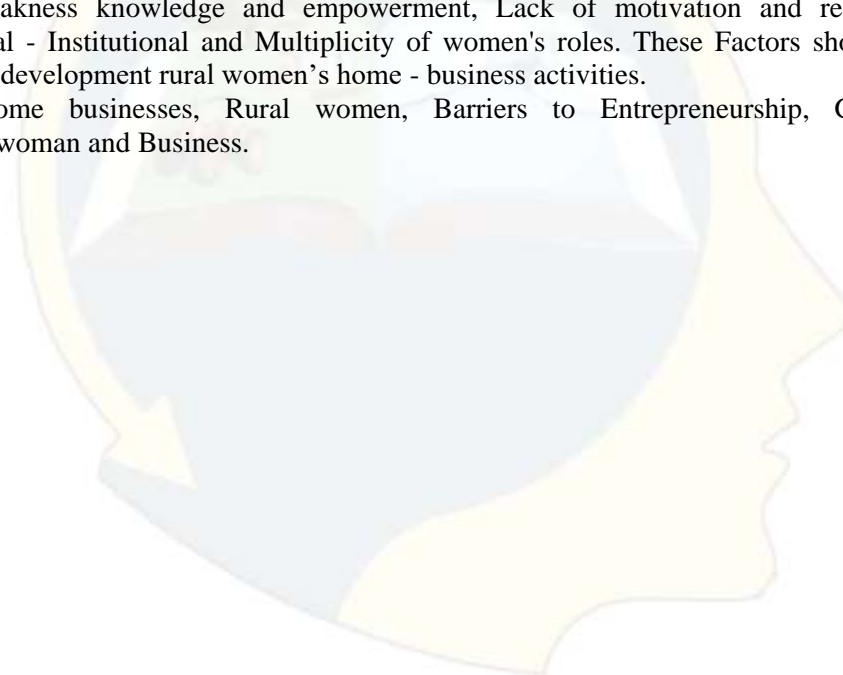
## Problem Analysis of Rural Women Home - Business Development: Evidence from ISLAMABAD-GHARB County

Sara Jalilian\*, Amir alambaigi

### Abstract

The home business flourish local economic. Indeed they are vital parts of economic activity, especially in rural areas. Rural women working in these types of activities face barriers and limitations for their development. Current Empirical research was aimed to portrait rural women's home - Business Development challenges. Current Survey study was descriptive - correlation and statistical population was composed of 265 rural women owner home-business in Islam Abad Gharb County; which from them 161 cases were selected based on Cochran's formula throughout a random sampling method. A structured questionnaire was employed to gather data which its validity were verified by focus group. The reliability of the questionnaire was tested during a pre-test process through which 30 questionnaires were completed by rural women. Cronbach's alpha test show satisfied amount and was above threshold cut point ( $\alpha=0.80$ ). Data were analyzed using SPSS<sub>21</sub> and Lisrel<sub>8,8</sub> software. The results from factor analysis revealed that individual-personality, Family restrictions, Individual-psychological, weakness knowledge and empowerment, Lack of motivation and responsibility, barriers economical - Institutional and Multiplicity of women's roles. These Factors showed strong influence on those development rural women's home - business activities.

**Key Words:** Home businesses, Rural women, Barriers to Entrepreneurship, Gender and Entrepreneurship, woman and Business.



### مقدمه و طرح مساله

به اعتقاد اغلب نظریه پردازان توسعه، عامل انسانی و نقش آن در هدایت جریان توسعه اهمیت بسیاری دارد (Kelly and Price, 2009). توجه به نقش و جایگاه زنان که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می دهند، از اهمیت اساسی برخوردار است (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱). بسیاری از جامعه شناسان بر نقش زنان در توسعه تاکید داشته و معتقدند بدون مشارکت آنها راه برای توسعه هموار نخواهد شد (Smit, 2004; Thinker, 1990). توجه به مشارکت و اشتغال زنان روستایی و تلاش برای رفع موانع و بازدارنده های آن، به عنوان یکی از ضرورت ها و الزامات توسعه پایدار در این بخش محسوب می شود (Mc Elwee, 2005). با توجه به این که توسعه روستایی، پدیده ای چندبعدی به شمار می رود؛ امروزه نیازمند سیاست گذاری برای تمرکز بر توسعه ایده های نوآورانه و طرح های ابتکاری کسب و کار در مناطق روستایی است (Harpa et al., 2015: 471). کسب و کارهای خانگی به طور مشخص بعدی تأثیرگذار از اقتصاد روستایی محسوب می شوند (Newbery & Bosworth, 2010: 188) که زمینه ایجاد اشتغال و ماندگاری در فعالیتهای کشاورزی و غیرکشاورزی را فراهم می کند (Gibosen & Olivia, 2009: 8). بر اساس مطالعات انجام شده، افزایش نرخ مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی روستا باعث رونق اقتصادی خانواده می گردد (Yang and An, 2002). با توجه به پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی و ضرورت خوداشتغالی آنان در جهت توسعه روستایی و نیز رشد و توسعه اقتصادی کشور، فراهم آوردن شرایط، امکانات و زمینه های لازم به منظور توانمندی این قشر از زنان، اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا کرده است. همچنین با توجه به اینکه زنان روستایی شهرستان اسلام آبادغرب، نزدیک به ۴۴/۶۸ درصد جمعیت زنان آن را تشکیل می دهد (مرکز آمارایران، ۱۳۹۹) و نقش این درصد جمعیت در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهرستان بسیار حائز اهمیت و قابل توجه است، بنابراین، با تاثیر به سزایی که کسب و کارهای خانگی و کارآفرینی در توسعه اشتغال دارد، آسیب شناسی توسعه کسب و کارهای خانگی در بین زنان روستایی شهرستان اسلام آبادغرب با وضعیت نامساعد اشتغال زنان روستایی آن، مسئله ای است که این تحقیق در پی پاسخگویی به آن است.

### چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

دستیابی به توسعه زمانی محقق می شود که در برنامه های توسعه اولویت اصلی به توسعه منابع انسانی داده شود (کردنائیج و زالی، ۱۳۸۸، ص ۴۱). در این نوع کسب و کار افراد به دلیل ذی نفع بودن، انگیزه ی بیشتری دارند، همین امر سبب می شود عملکرد بهتری داشته باشند و در نتیجه بهره وری افزایش یابد (Gibson and Olivia, 2010). گالوای و کاپاسی (Galloway and Kapasi, 2014) کسب و کار خانگی را شکلی از خوداشتغالی تعریف می کنند که فرد از وسایل و امکانات محل سکونت خود به عنوان پایه ای برای انجام فعالیتی تولیدی یا خدماتی بهره می برد تا درآمد کسب کند. صرف نظر از چگونگی تعریف کسب و کار خانگی، تأکید بر خانه به عنوان محل اصلی کسب و کار (Taggart, 2010: 3). بر اساس نظریه ی ویلیام بایگرو (۱۹۹۴) عوامل شخصی، روانی و محیطی در کارآفرینی مهم هستند. تصمیم گیری یا فقدان تصمیم گیری برای ورود به کسب و کار و تعقیب ایده ی کارآفرینی به عواملی هم چون زمینه های شغلی، شرایط کودکی، خانواده، دوستان، الگوی نقش و وضعیت اقتصادی تجارب قبلی بستگی دارد (احمدپور، ۱۳۷۸: ۱۱۹). شبیر و گریگور نیز در تئوری خود اثرات فاکتورهای ساختاری را بر توانایی های زنان در ورود به کسب و کار در نظر گرفتند. عوامل ساختاری با توجه به اهداف شخصی زنان اثراتی متفاوت

دارد. این عوامل به سه دسته منابع داخلی، خارجی و ارتباطی (ارتباطات با خانواده، کارکنان، مشتریان، عرضه‌کنندگان) طبقه بندی شده‌اند. زنان شاغل با عقاید محکم و استوار خود نه تنها به عقاید کاری خود اطمینان دارند، بلکه خانواده و دوستان، برای عملی کردن این افکار آن‌ها را تشویق می‌کنند. بر اساس نظریه‌ی شبیر و گریگور؛ در فرهنگ‌های شرقی و کشورهای در حال توسعه هر تصمیمی با تایید بزرگ خانواده اجرا می‌شود (نقش خویشاوندی بر نقش فردی اولویت دارد) و این مورد بیشتر در رابطه با زنانی صدق می‌کند که می‌خواهند کسب و کاری را شروع کنند و میزان حمایت خانواده نقشی قاطع در موفقیت زنان دارند. (Shabbir and Gregorio, 1996: 518).

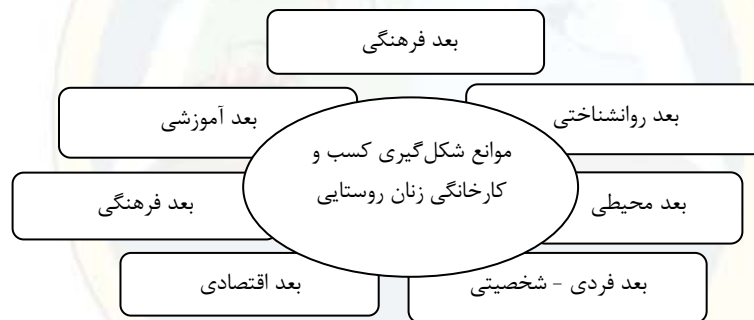
میرلطفی و همکاران (۱۳۹۳) در آسیب‌شناسی آثار توسعه‌ی مشاغل خانگی بر روستاهای بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه دریافتند که کمبود امکانات فیزیکی، مشکلات مالی، موانع قانونی، کمبود اطلاعات، مشکلات اجتماعی، نبود حمایت مسئولان، رکود بازار خرید محصولات، پایین بودن سطح مهارت صاحبان کسب و کارها و برگزار نشدن دوره‌های آموزشی و پایین بودن قیمت محصولات تولیدشده، اصلی‌ترین موانع توسعه‌ی مشاغل خانگی در مناطق روستایی بودند. نتایج پژوهش رضایی و نجفی (۱۳۹۴) نشان داد پنج عامل ضعف حمایتی، محدودیت کسب و کارهای خانگی، ضعف زیرساختی و فرهنگی، ضعف دانشی و اطلاع رسانی و نبود قوانین مرتبط به ترتیب اولویت‌های اول تا پنجم را در شکل‌گیری و تعیین سازه «موانع راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی» داشتند.

نجفی و صفا (۱۳۹۳) در مطالعه‌ی خود مهمترین موانع و چالش‌های توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه در مناطق روستایی را شامل نبود طرح کسب و کار مناسب، تجربه و تخصص پایین روستاییان، نبود دسترسی مناسب روستاییان به بازار، دسترسی ضعیف به اطلاعات و منابع اطلاعاتی، تأمین نشدن اعتبار مالی برای سرمایه‌گذاری کسب و کار خانگی و وجود موانع قانونی در نظر گرفته اند یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود نتیجه گرفتند که عوامل بازدارنده‌ی گرایش زنان روستایی به راه‌اندازی مشاغل خانگی در شهرستان رزن شامل شش عامل فرهنگی اجتماعی، زیرساختی و مالی، شخصیتی، حمایتی، خانوادگی و آموزشی بودند. همچنین گلرد و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ی خود به این نتیجه دست یافتند که با توجه به رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی با عملکرد کسب و کارهای زنان می‌توان بیان کرد ارتباطات گسترده و مؤثر زنان از طریق شبکه‌های اجتماعی به عملکرد بهتر آن‌ها در زمینه کسب و کار منجر می‌شود. نتایج پژوهش حیدری ساربان (۱۳۹۱) نیز با هدف اولویت‌بندی موانع مؤثر در کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی نشان داد چهار مانع فردی (وضعیت تاهل، میزان تحصیلات)، موانع اجتماعی - فرهنگی (حاکم بودن فرهنگ مردسالاری و باورهای کلیشه‌ای درباره زنان)، موانع روانشناختی (پایین بودن اعتماد به نفس و خودباوری زنان روستایی، فقدان ریسک‌پذیری)، موانع اقتصادی (فقدان دسترسی به اعتبارات و پایین بودن میزان درآمد زنان روستایی) از مهم‌ترین موانع کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای زنان روستایی هستند.

همتی‌وینه و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ی اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان را در مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه بررسی کردند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که از نظر پاسخگویان در بین موانع فردی، مخالفت همسر یا پدر خانواده، در بین عوامل مالی اقتصادی، دسترسی ناکافی به منابع اولیه برای تولید، در بین موانع فرهنگی اجتماعی بی‌اعتمادی جامعه به زنان در راه‌اندازی کسب و کار و در بین موانع قانونی - نهادی وجود واسطه‌ها در بازار، اهمیت بیشتری داشتند. ساتیاباما (Sathiabama, 2010) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که زنان کارآفرین علاوه بر این که با موانع بازاریابی برای تولیداتشان مواجه هستند؛ عوامل دیگری نیز مثل مسئولیت‌های خانوادگی‌شان مانع دستیابی آنان به برخی از فرصت‌ها می‌شود؛ همچنین آن‌ها در

برخی از کشورها با موانعی در رابطه با حق مالکیت و دارایی روبه رو هستند. گالوای و کاپاسی (Galloway and Kapasi, 2014) در مطالعه خود بر فراهم نبودن منابع مالی کافی برای راه اندازی کسب و کارهای خانگی و نبود شبکه سازی و حضور نداشتن تعاونی ها و تشکل های حمایت کننده از کسب و کارهای خانگی، به عنوان اصلی ترین موانع راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در نواحی روستایی اسکاتلند تأکید دارند.

پیرس لیمونز (Pierce-Lyons, 2009) در ارائه مدلی نظام مند از توسعه کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه، مهم ترین موانع فراروی راه اندازی و گسترش این کسب و کارها را مشکلات فرهنگی و اجتماعی، ضعف قوانین مرتبط، ضعف شبکه سازی و منسجم نبودن ارتباط بین کسب و کارهای فعال، مشکلات بازاریابی، پایین بودن سطح مهارت ها و قابلیت های کارآفرینانه ی صاحبان کسب و کارها و محدودیت های ناشی از کوچک بودن کسب و کار به ویژه از نظر حجم تولید در نظر گرفته است. آگهی و همکاران (۱۳۹۱) داشتن مهارت، تخصص، تجربه، انگیزه ی کسب استقلال بیشتر، و معرفی و دیدار با الگوها و افراد موفق را از متغیرهای مهم مورد نیاز برای توسعه ی مشاغل خانگی از دیدگاه زنان عنوان کرده اند. با توجه به نتایج تحقیقات صورت گرفته؛ می توان موانع توسعه کسب و کارهای خانگی زنان روستایی را به صورت مدل مفهومی زیر خلاصه کرد.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

#### روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر مبتنی بر پارادایم کمی بوده و از لحاظ هدف، نوعی تحقیق کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها از نوع میدانی و از منظر کنترل متغیرها نوعی تحقیق غیرآزمایشی است که به شیوه پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، ۲۵۶ نفر از زنان روستایی هستند که دارای مشاغل خانگی هستند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعداد ۱۶۱ نفر بعنوان حجم نمونه تعیین و به شیوه نمونه گیری انتساب متناسب طبقه ای و به صورت تصادفی، نمونه های مورد نظر انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسش نامه ی طراحی شده توسط محققین بود که برپایه ی مبانی نظری و پیشینه تحقیق تدوین شد. روایی ابزار تحقیق توسط اساتید و کارشناسان آشنا با موضوع مورد تایید قرار گرفت و پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار نیز با انجام یک پیش آزمون و استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت که ضریب آلفای  $\alpha = 0.80$  (درصد) بدست آمد؛ نشان دهنده قابلیت اعتماد و پایایی ابزار تحقیق بود. نتایج تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی (شامل تحلیل های عاملی اکتشافی و تأییدی) ارائه شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS<sup>21</sup> و Lisrel<sup>8.8</sup> استفاده شد.

### یافته‌های تحقیق

نتایج بدست آمده نشان داد که سن جامعه مورد مطالعه بین ۱۷ تا ۷۵ سال متغیر بوده (میانگین ۳۴/۵۲۸ و انحراف معیار ۹/۳۲). سطح تحصیلات بیشتر آن‌ها دیپلم (۴۱ درصد) و کمتر از ۲/۵ درصد بی سواد می‌باشد. از مجموع جامعه مورد بررسی ۳۶/۶ درصد مجرد، ۵۴/۷ درصد متأهل، ۱/۹ درصد مطلقه و ۶/۸ درصد بیوه می‌باشند. از بین زنان مورد مطالعه ۱۶/۸ درصد دارای کسب و کار خانگی در بخش کشاورزی، ۱۳/۷ درصد در بخش دامی و ۵۰/۳ درصد در بخش صنعت می‌باشند به گونه‌ای که زنان روستایی مورد مطالعه دارای کسب و کارهای خانگی در بخش صنعت بیشتری فراوانی و در بخش دامی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه، با هدف دسته بندی «موانع راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی» و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هرکدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته بندی شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. معنی داری آزمون بارتلت در سطح یک درصد ۰/۰۱ و مقدار مناسب KMO (۰/۸۰) بیانگر مناسب بودن متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی بود. براساس نتایج تحلیل عاملی، به طور کلی هفت عامل استخراج شده توانسته اند حدود ۶۳/۵۹ درصد از واریانس کل موانع توسعه راه اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی روستایی را تبیین کنند (جدول ۲).

جدول ۲- مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت

تحلیل عاملی	KMO	بارتلت	سطح معنی داری
موانع توسعه کسب و کار خانگی	۰/۸۰	۹۹۰/۷۶۸	۰/۰۰۰**

\*\*معنی داری در سطح یک درصد

براساس نتایج به دست آمده، بیشترین مقدار ویژه مربوط به فردی - شخصیتی (۴/۴۹) است که ۲۰/۴۲ درصد از واریانس عوامل بازدارنده گرایش به توسعه کسب و کار خانگی را تبیین می‌کند. پس از آن، به ترتیب عامل محدودیت‌های خانوادگی (۲/۳۸ درصد)، عامل فردی - روانشناختی (۱/۷۴ درصد)، عامل فرهنگی - اجتماعی (۱/۵۷ درصد)، عامل عدم مشارکت اقتصادی (۱/۴۵ درصد)، عامل اجتماعی - نهادی (۱/۳۱ درصد) و عامل وظایف متفاوت زنان (۴/۶۱ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۳- متغیرهای موانع توسعه کسب و کارخانگی زنان و میزان بارهای عاملی بدست آمده از ماتریس دوران یافته

بارعاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۷۹۹	عدم توانایی صحبت کردن در جمع	فردی- شخصیتی
۰/۶۶۵	ضعف قدرت چانه‌زنی در حرفه و کار	
۰/۷۵۳	ضعف جسمانی زنان	
۰/۷۵۸	ازدواج زودهنگام دختران روستایی	محدودیت‌های خانوادگی
۰/۷۱۱	عدم نیاز خانواده به درآمد زنان	
۰/۷۲۰	مخالف همسر، پدر یا سایر اعضای خانواده	
۰/۸۳۴	داشتن تجربه ناموفق قبلی	فردی- روانشناختی
۰/۵۰۲	ترس از شکست کسب و کار	
۰/۷۷۷	ضعف اعتمادبه نفس و خودباوری پایین زنان	
۰/۷۰۶	عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی	ضعف دانش و توانمندی
۰/۶۱۹	بی‌سوادی و کم‌سوادی	
۰/۷۶۹	پایین بودن مهارت‌های حرفه‌ای	
۰/۸۳۸	قبول نکردن مسئولیت توسط زنان	نبود انگیزه و مسئولیت پذیری
۰/۵۹۴	عدم اعتماد زنان به یکدیگر	
۰/۵۵۷	نداشتن انگیزه برای انجام فعالیت اقتصادی	
۰/۵۶۱	عدم دسترسی به تسهیلات	موانع اجتماعی- نهادی
۰/۵۸۹	نبود فرصت‌های شغلی برای زنان روستایی	
۰/۷۰۱	نداشتن پس انداز کافی	
۰/۶۰۱	زیاد بودن مشغله کاری زنان داخل منزل با فعالیت شغلی	تعدد وظایف زنان
۰/۵۲۱	تعداد زیاد فرزندان	

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، عامل اول به نام "فردی- شخصیتی" نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۴/۴۹۳ که از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر است، به تنهایی ۲۰/۴۲۳ درصد از تغییرات واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کند. نتایج پژوهش حیدری ساریان (۱۳۹۱)، یعقوبی فرانی و موحدی (۱۳۹۱)، شراگ و همکاران (۱۹۹۲) نیز نشان داد که اصول حاکم بر جامعه روستایی و به خصوص خانواده از جمله بی‌سوادی و سوادکم، عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی و مهارت‌های حرفه‌ای پایین بر توسعه و اشتغال در کسب و کارهای خانگی موثر است و از جمله عوامل و دلایل کاهش فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی به شمار می‌رود. عامل محدودیت‌های خانوادگی، شامل متغیرهای ازدواج زودهنگام دختران روستایی، مخالف همسر، پدر یا سایر اعضای خانواده و عدم نیاز خانواده به درآمد زنان می‌باشد. ولتر (۲۰۰۶) و جواهری و قضاوتی (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خود این عامل را از مهم‌ترین موانع توسعه کسب و کارهای خانگی زنان دانستند. شراگ و همکاران (۱۹۹۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که محیط نامناسب خانوادگی و نداشتن خودباوری از موانع از موانع مهم برای کارآفرینی زنان است.

متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل فردی- روانشناختی نیز با مقدار ویژه ۱/۷۴۷، ۷/۹۴۰ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. در پژوهشی حیدری ساریان (۱۳۹۱) نیز موثرترین موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی را موانع فردی،

اقتصادی و روانشناختی تشخیص دادند. عامل ضعف دانش و توانمندی، با متغیرهای عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی، بی‌سوادی و کم‌سوادی و پایین بودن مهارت‌های حرفه‌ای قبول نکردن مسئولیت توسط زنان، عدم اعتماد زنان به یکدیگر و نداشتن انگیزه برای انجام فعالیت اقتصادی در اولویت چهارم قرار گرفت. یعقوبی‌فرانی و موحدی (۱۳۹۱)، علی‌میرزایی و همکاران (۱۳۸۹)، میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸)، جواهری و قضاوتی (۱۳۸۴)، نواز (۲۰۰۹)، شراگ و همکاران (۱۹۹۲) و هیسریچ و بروش (۱۹۹۵) نیز از دسترسی نداشتن به آموزش، کم‌سوادی و فقدان مهارت‌های مدیریتی کسب و کار از موانع مهم برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار زنان معرفی کردند. عامل نبود انگیزه در اولویت پنجم قرار گرفت. ساتیاباما (۲۰۱۰)، یعقوبی‌فرانی و موحدی (۱۳۹۱)، آگهی و همکاران (۱۳۹۱)، حیدری‌ساریان (۱۳۹۱) و پاروت (۲۰۰۸) نیز این عامل را در کارآفرینی زنان موثر نشان داده‌اند. عامل اجتماعی - نهادی با متغیرهای عدم دسترسی به تسهیلات، نبود فرصت‌های شغلی برای زنان روستایی و نداشتن پس‌انداز کافی اولویت ششم را به خود اختصاص داد. تعدد وظایف و مسئولیت‌های زنان و دختران روستایی در خانه و همچنین تعداد زیاد فرزندان متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل‌اند که تحت عنوان وظایف متعدد زنان نام‌گذاری شد. به منظور بررسی اعتبار سازه‌های پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به موانع راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار *lisrel8.8* از طریق تحلیل عاملی تأییدی (مرتبۀ دوم) تجزیه و تحلیل شدند. با توجه به نتایج کسب شده، مدل اندازه‌گیری به دست آمده، برازش مطلوبی داشت (جدول، ۴).

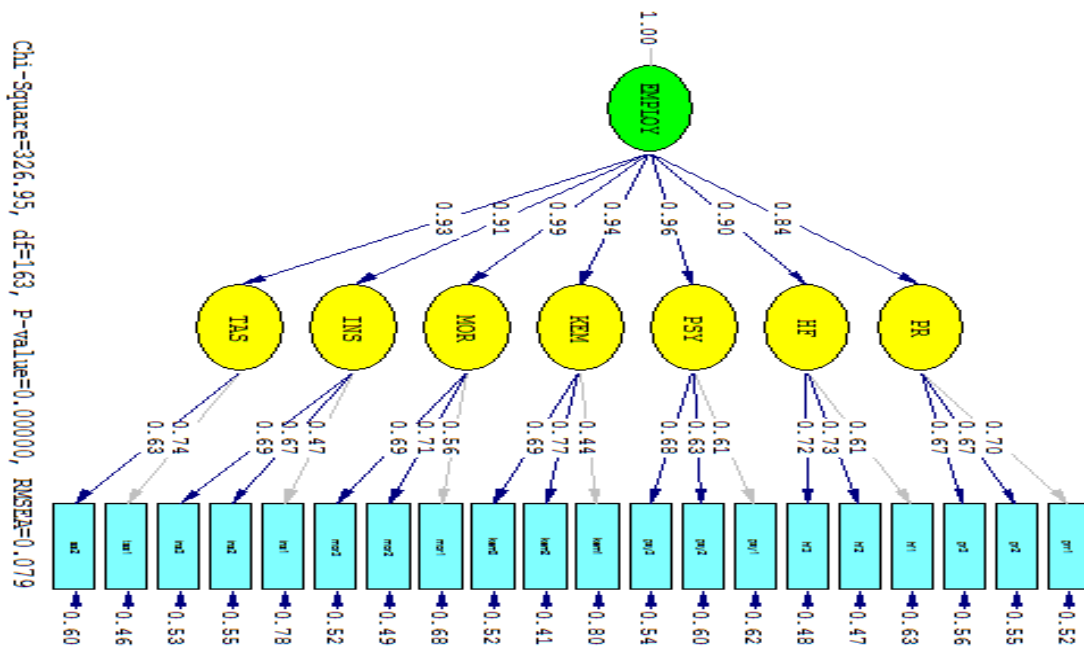
جدول ۴- نتایج میزان انطباق مدل پژوهش با شاخص‌های برازش

شاخص	$x^2 / df$	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
معیار پیشنهاد شده	$3 \leq$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$0/08 \leq$
مقدار گزارش شده	۰/۲۰۰۵	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۰۷۹

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین با توجه به شاخص‌های برازندگی که در جدول (۴) نشان داده شده است، می‌توان بیان کرد که مدل اندازه‌گیری موانع توسعه کسب و کار خانگی زنان روستایی مورد مطالعه (شکل ۳)، به منظور برازش روابط بین شاخص‌ها و نشانگرهای مربوط به آن‌ها معتبر و قابل قبول می‌باشد. همانطور که از مدل برازش شده در شکل (۳) پیداست، تمام متغیرهای آشکار وارد شده در مدل، بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ داشتند و مقادیر  $t$  معنی‌دار بود. این موضوع نشان‌دهنده تبیین مناسب هفت متغیر مکنون مورد مطالعه (شامل فردی-شخصیتی، محدودیت‌های خانوادگی، فردی-روانشناختی، ضعف دانش و توانمندی، نبود انگیزه و مسئولیت‌پذیری، موانع اجتماعی - نهادی و تعدد وظایف زنان) توسط متغیرهای آشکار است.





شکل 3 - مدل اندازه‌گیری برازش یافته (تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم) براساس ضرایب استاندارد

در جدول (۵)، رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه‌ی اول در تشکیل سازه‌ی مرتبه‌ی دوم، همراه با مقدار  $t$  و بارهای عاملی هر یک از عامل‌ها (مقادیر ضریب گاما) نشان داده شده است. مقادیر ضریب گاما می‌توانند شدت رابطه‌ی بین عامل‌های مرتبه‌ی اول و عامل مرتبه‌ی دوم را نشان دهند. در این تحقیق براساس داده‌های میدانی در میان هفت شاخص بررسی شده، عامل نبود انگیزه و مسئولیت‌پذیری ( $\lambda=0/99$ ) به عنوان قوی‌ترین شاخص مرتبط با موانع توسعه کسب و کارخانگی در زنان روستایی مورد مطالعه شناسایی شده است.

جدول ۵- رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه اول در تشکیل سازه‌ی مرتبه دوم براساس بارعاملی.

رتبه	های مرتبه اول شاخص	$\lambda$	$t$	sig
۱	نبود انگیزه و مسئولیت‌پذیری	۰/۹۹	۷/۳۱	۰/۰۱
۲	فردی روانشناختی	۰/۹۶	۷/۹۰	۰/۰۱
۳	ضعف دانش و توانمندی	۰/۹۴	۵/۴۱	۰/۰۱
۴	تعدد وظایف زنان	۰/۹۳	۹/۵۴	۰/۰۱
۵	موانع اجتماعی- نهادی	۰/۹۱	۵/۵۶	۰/۰۱
۶	محدودیت‌های خانوادگی	۰/۹۰	۷/۴۱	۰/۰۱
۷	فردی- شخصیتی	۰/۸۴	۷/۹۸	۰/۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مباحث ارائه شده باید گفت که در دهه‌های اخیر، کسب و کارهای خانگی روستاییان در کشورهای در حال توسعه تنها به تامین مالی و تجهیز پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های روستاییان محدود نبوده، بلکه اثرگذار در ابعاد مختلف زندگی زنان روستایی است به این ترتیب زنان آسیب‌پذیر روستایی به دلایلی چند از عمده گروه‌های هدف و نخستین افرادی می‌باشند که به این‌گونه کسب و کارها گرایش دارند. زنان تجربه و درک عمیق‌تری از فقر، گرسنگی و قحطی داشته و از سطح تجربه وسیعی در مدیریت خانواده با فقدان امکانات ضروری زندگی برخوردارند. آن‌ها از دسترسی به هرگونه امکانات محروم بوده و به دلایل فرهنگی و اجتماعی، فعالیت‌های آن‌ها محدود به خانه و روستا شده و همچنین از ضریب اطمینان اقتصادی و اجتماعی کمتری برخوردارند؛ با وجود این همه محدودیت‌ها و چالش‌ها زنان بسیار فقیر افرادی با برنامه برای ارتقای وضعیت فرزندان و خانواده و بهبود کیفیت زندگی بوده و از آمادگی بیشتری برای اشتغال در کسب و کارخانگی و کسب درآمد برخوردارند. این نوع کسب و کار با تامین مالی زنان نقش بسیار مؤثری در آگاهی، عزت و کرامت انسانی، احساس هویت و اعتماد به نفس، پویایی و تحرک، شادی و نشاط، احساس مسئولیت فردی و جمعی، رونق اقتصادی خانواده و جامعه، سرمایه‌گذاری، مشارکت، مبارزه با فقر و ... برای زنان در پی دارد. همچنین با توجه به این‌که زنان به میزان زیادی بین ارزش‌های کار و ارزش‌های خانواده تضاد قایل هستند. ادغام کسب و کار و وظایف در خانواده مجموعه‌ای از مشکلاتی را در ایفای نقش و مسئولیت آنان ایجاد می‌کند. براساس فرهنگ جوامع روستایی؛ خانه‌داری، تعداد فرزندان، تامین و حفظ خانواده از وظایف جدانشدنی زنان روستایی محسوب می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهند که این عوامل مانعی در توسعه‌ی کسب و کار زنان روستایی محسوب می‌شود؛ زیرا زنان ایرانی به علت تضاد نقش که با آن مواجه هستند سعی در ایجاد مشاغلی دارند که دارای انعطاف‌پذیری زیادی هستند چرا که فعالیت در این‌گونه مشاغل به زنان روستایی کمک می‌کند تا بتوانند به راحتی تعادل بین کار و خانواده را حفظ کنند. نتایج مطالعه انجام شده به وسیله پژوهشگران سازمان بین‌المللی کار (ILO, 2007) در ارتباط با زنان کارآفرین در کشور ویتنام، نیز نشان داد مهم‌ترین موانع پیش‌روی زنان به ترتیب عبارتند از: فشار کار و مسئولیت خانوادگی و کمبود وقت، ضعف در ایجاد شبکه‌ها ارتباطات در بین زنان، سطح تحصیلات پایین و تعصبات اجتماعی؛ نتایج این مطالعه را تایید می‌کند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد عامل محدودیت‌های خانوادگی از موانع توسعه‌ی کسب و کارخانگی می‌باشد. حمایت خانواده در تشویق دختران و زنان به توسعه کسب و کار و کارآفرینی؛ سبب می‌شود که با انگیزه‌ی بیشتری به کسب و کار پردازند. نتایج مطالعات بانک جهانی (World bank, 2002) در زمینه توسعه کارآفرینی و کسب و کار زنان نیز نشان می‌دهد که برای تحقق کار زنان در روستاها باید زمینه‌های دسترسی آسان به سرمایه، تشدید حمایت‌های فنی - تخصصی و بسترسازی فرهنگی صورت گیرد. به عبارتی بانک جهانی پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی زنان روستایی را در ابعاد اقتصادی می‌داند نیز نتایج این تحقیق را تایید می‌کند.

براساس دیگر نتایج پژوهش، به منظور ایجاد و گسترش زمینه‌هایی برای فعالیت در کسب و کارهای خانگی و کارآفرینی زنان روستایی با توجه به شرایط و فرهنگ جوامع روستایی مورد مطالعه پیشنهاداتی در ذیل ارائه شده است:

- تدوین برنامه‌های آموزشی در جامعه روستایی مورد مطالعه با هدف ایجاد تحول در باورهای فرهنگی خانواده‌ها و جامعه‌ی روستایی نسبت به توانمندی زنان در فعالیت‌های اقتصادی.

- آگاهی و ارائه آموزش در حمایت از زنان شاغل در کسب و کارهای خانگی در خانواده و جامعه روستایی.
- ارائه تسهیلاتی در راستای ایجاد و توسعه کسب و کار خانگی برای زنان روستایی.
- شناسایی و معرفی افراد موفق کارآفرین به عنوان الگوی نقش و به کارگیری تجارب آنان و راهبردهای نوین در راستای تقویت و توسعه کسب و کارهای خانگی.

### منابع

۱. آگهی، ح.، میرکزاده، ع. ا.، و تقی‌بیگی، م. (۱۳۹۱). اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۸۱-۲۰۱.
۲. انتظاریان، ن.، و طهماسبی، ط. (۱۳۸۹). موانع و راهکارهای توسعه‌ی مشاغل خانگی در ایران، ماهنامه کار و جامعه، ش ۱۲۷، صص ۷۸-۹۸.
۳. برخوردار، ف. (۱۳۸۹). چالش‌ها و راهکارهای توسعه کسب و کارهای خانگی. ماهنامه بازار کار، (۵۹۳) ۱۱، صص ۶-۶.
۴. پاسبان، ف. (۱۳۸۵). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳). اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۷۶-۱۵۳.
۵. جواهری، ف.، و قضاوتی، س. (۱۳۸۴). موانع کارآفرینی: بررسی تاثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، تابستان ۱۳۸۳، دوره ۵، شماره ۲؛ صص ۱۶۱-۱۷۸.
۶. حیدری‌ساریان، و. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP). مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۷۷-۱۵۹.
۷. رضایی، ر. ا.، و نجفی، ب. (۱۳۹۴). موانع راه‌اندازی و گسترش کسب و کارهای خانگی در مناطق روستایی شهرستان ارومیه. توسعه کارآفرینی، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۴۵۱-۴۳۳.
۸. روگرنژاد، ف.، و کیاکاجوری، ک. (۱۳۸۹). چالش‌ها و موانع توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی، همایش توسعه مشاغل خانگی (چالش‌ها - راهکارها)، تهران.
۹. سعدی، ح. ا.، جلیلیان، س.، و یعقوبی‌فرانی، ا. (۱۳۹۳). تأثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی. فصلنامه زن و جامعه، (۳) ۵، صص ۸۵-۱۰۷.
۱۰. شریف‌زاده، ا.، خواجه‌شاهکوهی، ع. ر.، عبدالله‌زاده، غ. ح.، و شریفی، م. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی توسعه کسب و کارهای خانوادگی روستایی در استان گلستان. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، (۱) ۵، صص ۲۴-۱.
۱۱. شریف‌زاده، ا.، عربیون، ا. و شریفی، م. (۱۳۸۹). بررسی موانع توسعه کسب و کارهای کشاورزی در استان گلستان. فصلنامه روستا و توسعه، (۴) ۱۳، صص ۱۶۰-۱۲۹.
۱۲. عباسی، ع. (۱۳۹۰). مشاغل خانگی، دورکاری صنعتی و افزایش مزیت رقابتی. نظام جامع اطلاع‌رسانی اشتغال.
۱۳. علی‌میرزایی، ع.، و طهماسبی، م. (۱۳۸۹). موانع توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری، شیراز.

۱۴. فلاح جلودار، ر.، فرج‌اله‌حسینی، س.ج.، حسینی، س.م. و میردامادی، س.م. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینی زنان روستایی. شمال کشور، فصلنامه روستا و توسعه، جلد ۱۰، شماره ۴، صص ۸-۱۱۵.
۱۵. کردنایج، ا.ا.؛ زالی، م.ر. (۱۳۸۸). راهکارهای توسعه کارآفرینی در ایران. فصلنامه مطالعات جوانان. شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۴۱-۵۸.
۱۶. گلرد، پ. (۱۳۸۸). خانواده و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۳۱.
۱۷. گلرد، پ.، حسینی، م.، و عسگری، ا. (۱۳۹۶). رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی با عملکرد کسب‌وکارهای زنان با نقش میانجی هوشیاری کارآفرینانه و تبعیض جنسیتی. توسعه کارآفرینی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۳۱۸-۲۹۹.
۱۸. محمدی‌الیاسی، ق.، و بادل، ز. (۱۳۹۴). تاثیر عوامل محیطی بر تصمیم‌گیری اخلاقی در کسب و کارهای نوپا. توسعه کارآفرینی، دوره ۸، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۹۳-۱۷۵.
۱۹. محمودیان، ح.، و رشوند، م. (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۰۴-۸۳.
۲۰. ملکی‌نژاد، ا. (۱۳۸۵). تحلیلی بر نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره هشتم، صص ۳۰-۱۴۱ از ۱۷۰.
۲۱. میرغفوری، س.ح.، صبادی‌تورانلو، حسین و طاهری‌دمنه، محسن. (۱۳۸۸). تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان، پژوهش‌نامه‌ی مدیریت تحول، سال اول، ش ۲، صص ۶۴-۴۷.
۲۲. میرلطیفی، م.ر.، علوی‌زاده، ا.م.، و بدخش، ی. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش دیشمو شهرستان کهگیلویه). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، (۳) ۵، صص ۱-۱۱.
۲۳. نجفی، ب.، و صفا، ل. (۱۳۹۳). بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌ها توسعه آنها در مناطق روستایی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی در کشاورزی، جلد ۱، شماره ۲، صص ۶۱ تا ۷۳.
۲۴. همتی‌وینه، ه.، عابدی‌سروستانی، ا.، عبدالله‌زاده، غ.ح.، و محبوبی، م. ر. (۱۳۹۱). اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان: مطالعه‌ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه. مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۱، مازندران، صص ۱۱-۱.
۲۵. یعقوبی‌فرانی، ا.، و موحدی، ر. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در ایران، ماهنامه‌ی کار و جامعه. ش ۱۴۲، صص ۵۰-۳۸.
۲۶. یعقوبی‌فرانی، ا.، وحدت‌مؤدب، ه.، و لطیفی، س. (۱۳۹۲). شناسایی بازدارنده‌های گرایش زنان روستایی به مشاغل خانگی (مورد مطالعه: بخش سردرود شهرستان رزن). نشریه زن در توسعه و سیاست، جلد ۱۱، شماره ۵۵۹-۵۷۴.
27. Archibong, C. A. (2004). Technology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in building
28. Chechurina, M. and Yelliene P. Pa. H. (2000). Women's Entrepreneurship Development in the Murmansk Region, Presevation of the International Conference April, Pp: 11-26.
29. Demartino, R. and Barbato, R. (2003). Differences Between Women and Men MBA Entrepreneurs: Exploring Family Flexibility and Wealth Creation as Career Motivators. Journal of Business Venturing 18, P.P.815-832.

30. Evans, N., Lasen, M. and Tsey, K. (2015). A systematic review of rural development research: Characteristics, design quality and engagement with sustainability. Springer-Briefs in Public Health, London.
31. Galloway, L. and Kapasi, I. (2014). Rural home-based businesses and their contribution to rural lives: An exploratory study. Research Report, Heriot-Watt University, Edinburgh.
32. Gibosen, J. and Olivia, S. (2009). The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia. Proceeding of International Association of Agricultural Economists Conference, Beijing, China, 16-22 August, pp. 1-23.
33. Gibson J. and Olivia, S. (2010). The Effect of Infrastructure Access and Quality on Non-Farm Enterprises in Rural Indonesia. World Development.
34. Harpa, E., Moica, S. and Dana, R. (2015). A predictive model of innovation in rural entrepreneurship. Procedia Technology, 19, pp. 471-478.
35. Hisrich R. D. and Brush C. G. (1995). The Women Entrepreneur: Management Skills and Business Problems, Journal of Small business Management. 22, 1.
36. International Labour Organization. (2007). Women's entrepreneurship development in Vietnam. ILO publications.
37. Kalantaridis, C. and Bika, Z. (2011). Entrepreneurial origin and the configuration of innovation in rural areas: the case of Cumbria, North West England. Environment and Planning, 43 (4), pp. 866-884.
38. Kelly, S. and Price, H. (2009). Vocational education: A clean slate for disengaged students. Social Science Research, 38: 810-825.
39. Kentand, N. and Kjeldscn, J. (2000). Women Entrepreneurs Now and in the Future. Erhverus Ministeriet Spتمبر, P.P. 1-11.
40. Mc Elwee, G. (2005). Developing entrepreneurial skills of farmers. University of Lincoln.
41. Ming-Yen, W. and Chong, S. (2008). Improving women entrepreneurship in SMEs in Malaysia: Policy recommendation. Journal of Communication of the IBIMA, 2, pp. 31-38.
42. Nawaz, F. (2009). Critical Factors of Women Entrepreneurship Development in Rural Bangladesh. Bangladesh Development Research Center (BDRC) Accessable in This site:<http://ssrn.com/abstract=1403411>
43. Newbery, R. and Bosworth, G. (2010). Home-based business sectors in the rural economy. Society and Business Review, 5 (2), pp. 183- 197.
44. Paden, S. (1995). Coping With the Dual-incom Lifestyle, Journal of Marriage and the Family -1-57.
45. Pierce- Lyons, R. (2009). The Home Entrepreneur Systems Model: A grounded theory of home-based business needs and practices. Ph.D. thesis, James Cook University, Queensland, Australia.
46. Roomi, M.A. and Parrott, G. (2008). Barriers to development and progression of women entrepreneurs in Pakistan, The Journal of Entrepreneurship, No 17, pp: 59 -72.
47. Sathiabama, K. (2010). Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development. From: <http://ideas.repec.org/p/ess/wpaper/id2475.html>.
48. Seymour, N. (2003). Women Entrepreneurs in the Developing World, pp.3.
49. Shabbir, .A. and Gregorio, S DI. (1996). An Examination of the Relationship Between Women Personal Goals and Structural Factors Influencing their Decision to Start A Business: the Case of Pakistan. Journal of Business Venturing, P.P. 507-529.
50. Shragg, P; Jacuk, L; and Glass, A. (1992). Study of barriers facing Albertan women in business«, Journal of Small Business and Entrepreneurship. 9, 4, pp 40-9.
51. Smit, A.B. (2004). Changing external conditions require high levels of entrepreneurship in Agriculture. In: Bokelman, W. (2004), Acta Horticulture No. 655, Proceedings of the 15th International Symposium on Horticultural Economics and Management, Berlin, Germany
52. Stel, A. Caree, M. and Thurik, R. (2004). The effect of entrepreneurship on national economic growth: An analysis using the GEM database, The First GEM Research Conference, Entrepreneurship, Government Policies, and Economic Growth.
53. Taggart, (2010). *Networking experiences of Australian home based businesses*. DBA Thesis, Southern Cross University, Australia.
54. Tinker, I. (1990). Persistent Inequalities; Women and World Development (New York: Oxford University Press.
55. Urbano, D. Toledano, N. and Soriano, D. (2010). Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from Spain, Journal of Social Entrepreneurship, Vol 1, Pp: 54-69.

56. Welter, F. (2006). Women's Entrepreneurship in Germany: -Growth Oriented Women Entrepreneurs and their Business A Global Research, The Diana Project (2006).
57. World Bank (2002). Reading the rural poor: UN Updated Strategy for Rural Development, Washington D.C, (1):65-68.
58. Yang, D.T. and An, M.Y. (2002). Human capital, entrepreneurship, and farm household earnings. Journal of Development Economics, 68 (2): 65-88.

